

کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه
سال چهارم، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۳ هـ ش / ۱۴۳۵ هـ ق / ۲۰۱۴ م، صص ۱-۲۰

داستان لیلی و مجنون در گستره ادبیات تطبیقی (مطالعه موردی: ادبیات و هنرهای زیبا)^۱

حمیدرضا پیرمرادیان^۲

فارغ‌التحصیل دکتری زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

محمود آبدانان مهدیزاده^۳

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

غلامرضا کریمی‌فرد^۴

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

نصرالله امامی^۵

استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران

چکیده

داستان لیلی و مجنون، روایتی نامکرر از کهن داستان «عشق» است که گذر روزگاران، غبار کهنگی بر رخساره‌اش نشانده است. این داستان هرچند ریشه در تاریخ کهن قوم عرب، در سده نخست هجری دارد؛ اما تنها در یک اثر ادبی، با عنوان نمایشنامه لیلی و مجنون، اثر احمد شوقی، آن‌هم در دوران معاصر، بازتاب می‌یابد. ولی به محض ورود به ایران در سده چهارم، در سروده‌های شاعران نامی بازتاب یافته و در سده ششم، نظامی گنجوی منظومه‌ای به نام لیلی و مجنون می‌سراید که ۶۶ منظومه شعری به پیروی از آن سروده می‌شود و پس از پهنه ادبیات، در بسیاری از هنرهای زیبای ایرانی از قبیل نگارگری، خوشنویسی، تئاتر (نمایش)، سینما، موسیقی، فرش بافی و... نیز رسوخی چشمگیر می‌کند. در ادبیات ترکی نیز بیش از ۳۰ منظومه به تقلید از لیلی و مجنون نظامی سروده شده که تئاتر (نمایش و اپرا)، موسیقی و سینمای آذربایجان را هم باید به آن اضافه کنیم. در هندوستان، این داستان، بیشتر از ادبیات، در صنعت فیلم‌سازی سینمای هندوستان بازتاب داشته است که از همین رهگذر، کشورهایی چون ایران، تاجیکستان، آذربایجان و مالزی، در صدد ساختن فیلم‌هایی با عنوان «لیلی و مجنون» برآمدند. این داستان با ورود به دیگر کشورها، آراسته به آداب و رسوم آن‌ها گردیده و هم‌رنگ مردمان همان محیط گشته است؛ گویی اینکه «لیلی» و «مجنون»، مردمانی از همان سرزمین هستند.

واژگان کلیدی: لیلی، مجنون، ادبیات داستانی، ادبیات تطبیقی، هنرهای زیبا.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۲/۲۰

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۱۳

۲. رایانامه نویسنده مسئول: hr_pirmoradian@yahoo.com

۳. رایانامه: abdanan_mh@yahoo.com

۴. رایانامه: ghkari.mifard@yahoo.com

۵. رایانامه: nasemami@yahoo.com

۱. پیشگفتار

داستان لیلی و مجنون، بدون تردید یکی از گران‌بهارترین گوهرهای گنجینه ادبیات عربی به شمار می‌آید که از دیرباز جایگاه ویژه‌ای نزد بزرگان ادب، به خود اختصاص داده است.

مسئله اساسی در این مقاله این است که آیا داستان لیلی و مجنون می‌تواند در حیطه ادبیات تطبیقی قرار گیرد و چنانچه جواب مثبت باشد، چگونه، در چه محورهایی. بر اساس کدام مکتب از ادبیات تطبیقی؟

گمان نگارندگان، در آغاز بر این بود که این موضوع در حیطه ادبیات تطبیقی جای نخواهد گرفت؛ زیرا از سویی بر این باور بودیم که نظامی گنجوی و دیگر مقلدانش برای سرودن منظومه‌ها یا ابداع آثار هنری خویش، در حقیقت از هیچ اثر ادبی مدوئی در زبان عربی الهام نگرفته‌اند و تنها از پاره‌ای از روایت‌های داستان (لیلی و مجنون) در کتاب‌های مختلف تاریخ ادبیات عربی؛ مانند *الکامل* اثر مبرد، *الشعر والشعراء* اثر ابن قتیبه دینوری و *الأغانی* ابوالفرج اصفهانی، بهره گرفته‌اند که این روایت‌ها نیز هیچ کدام شکل داستانی ندارند؛ بلکه همگی به صورت ذکر اخبار لیلی و مجنون آمده‌اند.

از دیگر سو، مشاهده کردیم که مطالعات جانبی فراوانی در خصوص داستان لیلی و مجنون، از منظر ادبیات تطبیقی انجام شده است. گاه ادیبان آن را با دیگر عاشقانه‌های نامدار جهان؛ نظیر «خسرو و شیرین»، «تریستان و ایزوت / ایزولد» و «رومئو و ژولیت» مقایسه کرده و گاه بازتاب آن را در ادبیات‌های مختلف نظیر فارسی، هندی، کردی، اردو، چینی و... به بررسی نهشته‌اند.

جهت پیگیری موضوع، به تألیفات محمد غنیمی هلال مراجعه نمودیم. وی علاوه بر اینکه این موضوع را در کتابی ویژه با نام *لیلی و المجنون في الأدب العربي والفارسي*، ۱۹۶۰ م آورده، در تمامی آثار تطبیقی خویش مانند *الأدب المقارن، دراسات أدبية مقارنة، دور الأدب المقارن في توجیه دراسات الأدب العربي المعاصر، في النقد التطبيقي والمقارن، في النقد المسرحي، الحياة العاطفية بين العنبرية والصوفية*، بابتی را ویژه این داستان غنایی ساخته و پرداخته کرده است. پس از وی شاگردان و رهروانش مانند طه ندا، محمد عبدالسلام کفافی (۱۹۷۱ م)، بدیع محمد جمعه (۱۹۸۰ م)، ابراهیم عبدالرحمن محمد (۱۹۸۲ م)، محمد زکی العشماوی، محمد السعيد جمال الدین (۱۹۸۹ م)، الطاهر محمد مکی (۱۹۹۴ م)، عبده علی ابراهیم الرّاجحی (۲۰۰۸ م)، عبدالحمید ابراهیم (۱۹۹۷ م)، عبده عبود و... همین شیوه را در کتب تألیفی خویش در خصوص ادبیات تطبیقی در پیش گرفته‌اند. برای نمونه، در کتاب *الأدب المقارن اثر طه ندا*، چنین آمده است: «قصه مجنون لیلی تصلح مادة للأدب المقارن إذا قورنت مع مثيلاتها في الآداب الأخرى أو إذا تأثر

بما شاعر في أمة أخرى ونظمها بلغته القومية كما فعل الشاعر الفارسي نظامي كنجوي الذي ألف منظومة في نفس الموضوع» (۱۹۹۱: ۲۱)

ترجمه: داستان مجنون لیلی، چنانچه با نظایر خود در دیگر ادبیات‌ها مقایسه شود و یا شاعری از یک ملت دیگر از آن تأثیر پذیرد و آن را به زبان قوم خود به نظم بکشد، شایسته دستمایه شدن برای ادبیات تطبیقی است؛ همان‌گونه که شاعر فارسی، نظامی گنجوی انجام داد و منظومه‌ای با همان موضوع سرود.

زکی العشماوی نیز در باب این داستان، چنین گفته است: «عاج الأدب الفارسي موضوع لیلی والمجنون وقد طرقة أكثر من شاعر وكاتب وصار من القصص المشهورة والمتداولة في أدهم وقد كان لشیوع هذه القصة في الأدب الفارسي ما جعل المجال مفتوحاً أمامها للإنتقال إلى الأدبين التركي والأردوي» (۱۹۹۴: ۲۵۴)

ترجمه: ادبیات فارسی موضوع لیلی و مجنون را بررسی نموده و بیش از یک شاعر و نویسنده بدان پرداخته‌اند و از داستان‌های مشهور و پرکاربرد در ادبیات آن‌ها گردیده است و شیوع این داستان در ادبیات فارسی سبب شد که جولانگاه انتقال آن به ادبیات ترکی و اردو در برابرش بازگردد.

عبده عبود که از پژوهشگران برجسته ادبیات تطبیقی معاصر است، نیز این‌گونه می‌گوید: «لقد درس تأثر الأدب العربي القديم بالثقافة الفارسية، وتأثر الأدب الفارسي بالأدب العربي والثقافة العربية عموماً. ومن أبرز المواضيع التي تمحورت حولها الدراسات المقارنة موضوع «ليلى والمجنون» في الأدبين العربي والفارسي» (۱۹۹۹: ۲۸)

ترجمه: به طور کلی، تأثیرپذیری ادبیات کهن عربی از فرهنگ فارسی و تأثیرپذیری ادبیات فارسی از ادبیات عربی و فرهنگ عربی بررسی شده است. موضوع لیلی و مجنون در ادبیات فارسی و عربی، از بارزترین مواضعی است که پژوهش‌های تطبیقی پیرامون آن نقشی محوری ایفا می‌کند.

پژوهشگران ادبیات فارسی نیز از این موضوع غافل نبوده‌اند. از ادیبان و پژوهشگران که در این زمینه به پژوهش پرداخته‌اند، می‌توان به جلال ستاری، علی اکبر سعیدی سیرجانی، سعید حسام‌پور و حسین کیانی (ترجمه الأدب المقارن از محمد السعيد جمال الدين)، احمد شفيعی‌ها، حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو، سید حمید طیبیان، صاحب‌علی اکبری، سید احمد خاتمی، یدالله طالبی، فضل‌الله رضایی اردانی، احمد شریفی، حسینعلی یوسفی، حسن ذوالفقاری، سید محمد حسینی، هادی خدیور، فاطمه شریفی و مهدی ستودیان اشاره کرد.

بنابراین، برای نگارندگان این یقین حاصل شد که مسأله تطبیقی داستان لیلی و مجنون به طور قطع و یقین از بارزترین نمونه‌های ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود و پس از دیدن آثاری هنری مربوط به لیلی و مجنون در حوزه‌های نگارگری، نقاشی، خطاطی، فرش‌بافی، تئاتر، سینما، موسیقی و... بر آن شدیم که

- نه چون گذشتگان - بلکه پا را از دایره ادب فراتر گذاشته و بازتاب آن را فراتر از این چهارچوب بررسی نماییم.

۱-۱. پرسش های تحقیق

اساسی ترین پرسش هایی که این مقاله پاسخگوی آن ها خواهد بود، عبارتند از اینکه: داستان لیلی و مجنون، آن گاه که وارد دیگر ادبیات ها می گردد، چه تأثیری بر آن ها گذاشته و خود نیز متقابلاً چه تأثیری می پذیرد؟ این تأثیر گذاری و تأثیر پذیری - برفرض وجود - چه حوزه ها و محورهایی را دربر می گیرد؟

۱-۲. فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی در این مقاله این است که طبق نظریه «الأدب ابن بیته»، تمامی آثار ادبی از محیطی که در آن پرورش یافته اند، تأثیر پذیرفته و متقابلاً، تأثیراتی نیز بر آن فرهنگ و ادبیات می گذارند. داستان لیلی و مجنون نیز از این قاعده مستثنا نخواهد بود و طبق انتظار، باید با ورود به دیگر ادبیات ها - افزون بر تأثیر گذاری - رنگ آن محیط ها را به خود گرفته و از آداب و رسوم و فرهنگ آن قومیت توشه ای درخور برگیرد.

۱-۳. روش تحقیق

در نگاه نخست، زمینه پژوهش در موضوع تطبیقی لیلی و مجنون، به دو دلیل، تقریباً محدود به نظر می رسد: نخست اینکه ذهن همگان با شنیدن نام «لیلی و مجنون» به سوی ادبیات داستانی معطوف می شود و دود دیگر اینکه، بسیاری هنوز ادبیات تطبیقی را، منحصر در دانش های ادبی می دانند. بهترین شاهد بر این مدعا این است که مهم ترین پژوهش های انجام شده درباره داستان لیلی و مجنون، پای از حوزه ادبیات، فراتر ننهادند؛ حال آنکه، با گسترش تدریجی و به وجود آمدن مکاتب نوین در ادبیات تطبیقی، این دانش کم کم خود را از انحصار ادبیات محض رها کرده و به گستره سایر علوم و معارف دیگر نیز وارد شده است.

روش پژوهش در این مقاله، مبتنی بر مکاتب فرانسوی و آمریکایی ادبیات تطبیقی است؛ بدین گونه که ابتدا از منظر مکتب فرانسوی، این داستان را در ادبیات عربی و ادبیات دیگر ملل بررسی کردیم و سپس از دیدگاه مکتب آمریکایی، بازتاب این داستان را افزون بر ادبیات، در شاخه های متعدد هنرهای زیبا مانند نقاشی، خوشنویسی، پیکره سازی، تئاتر، سینما، موسیقی و... به بررسی می پردازیم. یاری رسان

ما در این زمینه، کاوش‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی است. باشد که از این رهگذر، بستری مناسب برای پژوهش‌های بعدی فراهم گردد.

۲. پردازش تحلیلی موضوع

داستان «لیلی و مجنون» یا «مجنون لیلی» نمونه‌بارزی از پرواز آثار ادبی در آسمان ادبیات جهانی به شمار می‌رود و از همان زمان پیدایش تاکنون، دستمایه خلق بسیاری از آثار ادبی و هنری بوده است. این داستان را از زاویه دو دیدگاه نخست مکتب فرانسوی و سپس مکتب آمریکایی بررسی خواهیم نمود.

۲-۱. لیلی و مجنون در پرتو مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی

۲-۱-۱. لیلی و مجنون در ادبیات عربی

این داستان با روایت‌های گوناگون آن، در اسناد تاریخ ادبیات عربی بارها آمده است. مهم‌ترین این اسناد عبارتند از: *الکامل اثر مبرّد* (۲۸۵-۲۱۰ ق)، *الشعر والشعراء* اثر ابن قتیبه دینوری (۲۷۶-۲۱۳ ق)، *أخبار عقلاء المجانین* اثر مدائنی (متوفی بین ۲۱۶ تا ۲۳۴ ق)، *الزهره* اثر محمد بن داوود ظاهری (۲۹۷-۲۵۵ ق)، *الأغانی* اثر ابوالفرج اصفهانی (۳۵۶-۲۸۴ ق)، *المؤتلف والمختلف فی أسماء الشعراء* اثر حسن بن بشر آمدی (متوفی ۳۷۱ ق)، *مصارع العشاق* اثر ابن سراج (۵۰۰-۴۱۷ ق)، *سرح العیون* اثر ابن نباته (۷۶۸-۶۸۶ ق)، *بسط سامع المسامر فی أخبار مجنون بنی عامر* اثر ابن طولون بغدادی (متوفی ۹۵۳-۸۸۰ ق)، *تزیین الأسواق فی تفصیل أشواق العشاق* اثر داوود انطاکی (تألیف ۹۷۲ ق)، *نزهة المسامر فی أخبار مجنون بنی عامر* اثر یوسف بن حسن الحنبلی (متوفی ۹۰۹ ق) و *خزانة الأدب* اثر عبدالقادر بن عمر بغدادی (۱۰۹۳-۱۰۳۰ ق).

هر کدام از این نویسندگان، در عصر خود، ادیبی فرزانه بوده‌اند؛ ولی هیچ‌یک، اثری ادبی درباره این داستان ننکاشته‌اند و تنها به ذکر اخبار و روایت‌های داستان بسنده کرده‌اند. روایت‌هایی که گاه موافق یکدیگر و گاه بسیار از هم دورند تا آن‌جا که حتی وجود تاریخی لیلی و مجنون مورد تردید پژوهشگران واقع شده است. اما وجود یا عدم وجود آن‌ها از دیدگاه تاریخی، هیچ‌گونه لطمه‌ای به وجود آن‌ها در گستره ادبیات تطبیقی وارد نمی‌کند؛ زیرا داستان آن‌ها در میان عرب‌زبانان مشهور بوده و هست و از ادبیات آن‌ها نخست به ادبیات فارسی و سپس به ادبیات ترکی و هندی و... وارد شده است.

در ادبیات عربی معاصر، تنها یک نفر به این داستان پرداخته است و او کسی نیست جز احمد شوقی که نمایشنامه منظومی به نام *مجنون لیلی* سروده است. او در پرداخت این نمایشنامه، کتاب *الأغانی* را اساس

کار خود قرار داده و افزون بر آن از روایت‌های تاریخی آن زمان نیز بهره جسته است. این نمایشنامه، در پنج پرده و با حضور بیش از بیست و اندی شخصیت، ساخته و پرداخته شده است. زمان نمایشنامه، اوایل حکومت بنی‌امیه و مکان آن بادیه نجد است.

۲-۱-۲. لیلی و معجون در ادبیات فارسی

در دهه‌های آغازین سده چهارم هجری، ابوالفرج الاصفهانی (۲۸۴-۳۵۶ ق)، اخبار و روایت‌های مربوط به معجون را، به تفصیل در کتاب *الأغانی گردآوری کرد* که مندرجات آن، بسیار زود، با حمایت و تشویق صاحب بن عبّاد (۳۳۳-۳۸۶ ق)، شاعر و وزیر دانشور آل‌بویه، در سراسر خاک ایران رواجی بسزا یافت. (بهمنیار، ۱۳۴۴: ۱۱۷)

قدیمی‌ترین شعر فارسی که نام «لیلی و معجون» در آن ذکر شده است، یک رباعی از رودکی سمرقندی (۳۲۹-۲۴۴ ق)، پدر شعر فارسی است:

جایی که گذرگاه دل محزون است آن‌جا دو هزار نیزه بالا خون است
لیلی صفتان ز حال مابی‌خیرند معجون داند که حال معجون چون است

(نفیسی، ۱۳۶۳: ج ۳: ۱۰۳۷)

و نیز بیتی از سروده‌های رابعه بنت کعب قزداری (۳۳۱-۳۰۱ ق):

مگر چشم معجون به ابر اندر است که گل رنگ رخسار لیلی گرفت

(مؤید، ۱۳۷۱: ۵۳۰)

نام آن دو دل‌داده را، در اشعار منوچهری (۴۳۲-۳۹۸ ق)، باباطاهر (۴۲۳-۳۳۵ ق)، امیر معزی (۵۲۱-۴۳۹ ق)، مسعود سعد (۵۱۸-۴۳۸ ق)، ناصر خسرو (۴۸۱-۳۹۴ ق)، احمد غزالی (۴۵۳-۵۲۰ ق)، عین القضات همدانی (۵۲۵-۴۹۲ ق)، سنایی (۵۴۵-۴۷۳ ق)، صابر ترمذی (۵۴۶-۰۰۰ ق)، حمیدی بلخی (۵۵۹-۰۰۰ ق)، رشیدالدین وطواط (۵۷۸-۴۸۱ ق)، انوری (۵۷۵-۰۰۰ ق)، اثیرالدین اخسیکتی (۰۰۰-۶۰۹ ق)، خاقانی (۵۹۵-۵۲۰ ق)، ظهیرالدین فاریابی (۰۰۰-۵۹۸ ق) و عطار نیشابوری (۶۱۸-۵۴۰ ق) نیز می‌بینیم.

با این وجود، یک شخصیت تاریخی، آن‌گاه شخصیت ادبی پیدا می‌کند که به دست ادیبی توانا، خود را از دل تاریخ جدا کرده، پای به گستره ادبیات نهد. سرانجام، در سال ۵۸۰ ق، حکیم نظامی گنجوی، بنا به درخواست شروان شاه اخستان بن منوچهر، دست به آفرینش این سروده غنایی می‌گشاید و منظومه *لیلی و معجون* را در ۴۷۰۰ بیت می‌سراید. محمد غنیمی هلال، در این خصوص چنین گفته

است: «تبدیل یک افسانه محلی به یک اثر بزرگ و گران‌بهای هنری، تنها از عهده کسی مانند نظامی ساخته بود» (دستگردی، ۱۳۸۱: ۵۸ و ۵۹)

سپس به پیروی از این اثر ادبی، بیش از صد منظومه با همین نام سروده می‌شود که ۶۶ اثر آن سهم زبان فارسی است (رادفر، ۱۳۷۱: ۲۱۶-۲۲۲) که هیچ کدام همسنگ اثر نظامی نیست. از این میان، می‌توان به لیلی و مجنون امیر خسرو دهلوی (تألیف ۶۹۸ ق)، جامی (تألیف ۸۸۹ ق)، مکتبی شیرازی (تألیف ۸۹۵ ق)، هلالی جغتایی استرآبادی (۰۰۰-۹۰۸ ق)، عبدالله هاتفی خرجردی (۸۵۸-۹۲۷ ق)، محمد قاسم گنابادی (۹۳۰-۹۸۴ ق)، عبدی بیگ شیرازی (۰۰۰-۹۹۸ ق) و روح‌الامین شهرستانی (۹۸۱-۱۰۴۷ ق) اشاره کرد.

۲-۱-۳. لیلی و مجنون در دیگر ادبیات‌های جهان

پس از ادبیات فارسی، ادبیات ترکی بیشترین سهم را در منظومه سرایی به تقلید از نظامی گنجوی به خود اختصاص داده است. بیش از ۳۰ منظومه به نام لیلی و مجنون به تقلید از نظامی، در ادبیات ترکی سروده شده است که از آن میان می‌توان به «شاهدی ادرتوی (۰۰۰-۸۳۱ ق)، حمدی حمدالله (۸۵۲-۹۰۸ ق)، عبدالوهاب خیالی (۰۰۰-۹۲۸ ق)، بدرالدین خلیل (۰۰۰-۹۳۶ ق) و نور محمد عندلیب (۱۱۲۳-۱۱۹۳ ق)» (خضر حیدر: ۱۴۰۵: ۳۰۷) اشاره کرد؛ اما مشهورترین منظومه لیلی و مجنون، در زبان ترکی، اثر ملا محمد فضولی (۸۸۷-۹۶۳ ق) است که در قالب مثنوی و در بحر هزج سروده شده است.

آوازه داستان لیلی و مجنون نظامی، مرزهای کشور چین را هم درنوردید؛ تا بدان حد که ترکان اویغوری سین کیانگ، در شمال غربی چین، نام بسیاری از دختران خود را «لیلی» می‌گذارند و نام «نظامی»، در میان مردان آن‌ها، نامی رایج است. نخستین کسی که منظومه لیلی و مجنون را، به زبان ترکی اویغوری سرود، علیشیر نوایی (۸۴۴-۹۰۶ ق) بود. پس از او نیز مولا پازیل، در سال ۱۱۱۶ ق و عبدالرحیم نزاری در سال ۱۲۴۹ ق، منظومه‌های دیگری با همین نام سرودند. (بائوزین لئو، ۱۳۷۲: ۲۳۸-۲۴۲)

مهم‌ترین منظومه لیلی و مجنون، به زبان اردو نیز، متعلق به میرزا محمدتقی هوس هندی هست. (رادفر، ۱۳۷۱: ۲۲۰) «پانزده شاعر پنجابی هم لیلی و مجنون را به زبان پنجابی سروده‌اند. احمدخانی، شاعر کرد قرن ۱۱ هجری نیز به تقلید از نظامی و لیلی و مجنون او، منظومه‌ای تدوین کرده است که به لهجه کردی بادینی است.» (ثروت، ۱۳۷۲: ج ۱: ۴۲۴)

۲-۲. لیلی و مجنون از دیدگاه مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی

این مکتب، دامنه گسترده تری از مکتب فرانسوی داشته و دارای دو ویژگی مهم است:

الف: از پژوهش های تطبیقی میان ادبیات و دیگر علوم مانند نقاشی، مجسمه سازی، معماری، موسیقی، فلسفه، تاریخ، علوم اجتماعی، اقتصاد، سیاست، دین و... نیز سخن می راند.

ب: معیار اصلی تطبیق، قومیت صاحب اثر و مرزهای ملی صاحب اثر بود.

پس از ورود داستان «لیلی و مجنون» در عرصه ادبیات، آوازه آن در بسیاری از حوزه های معارف بشری نیز عالم گیر شد. از جمله این معارف، می توان از هنرهای زیبا مانند نقاشی، خوشنویسی، عکاسی، پیکره سازی، تئاتر، سینما، موسیقی و... نام برد.

۲-۱- نگارگری (نقاشی)

هنر نگارگری، چنان به شعر و ادب وابسته است که کمتر دیوان یا کتابی را می توان یافت که حداقل یک قسمت و یا یک حکایت از آن، به تصویر کشیده نشده باشد.

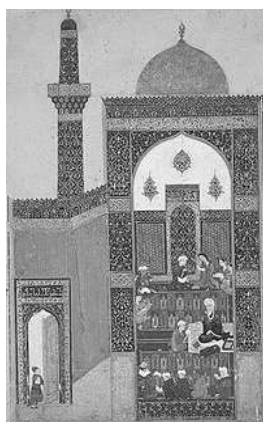
نگارگری آثار ادبی؛ به ویژه خمسه نظامی و آثاری مانند گلستان و بوستان سعدی و...، با حمایت شاهرخ (۷۷۸-۸۵۰ ه. ق)، فرزند تیمور لنگ، در هرات و در کتابخانه بایسنقر، پسر او، رواج یافت. «کانون هنری بایسنقر در هرات، به نام دارالصنایع کتاب سازی معروف بود و کتاب های پدید آمده در این دوره، شامل نفیس ترین مینیاتورها و استادانه ترین خوشنویسی ها هستند که به زیبایی تمام، صحافی و جلد آرایبی گشته اند.» (برزین، ۱۳۴۵: ۳۷) سپس حاکمان صفوی، باعث رشد و گسترش این میراث هنری گشتند.

در این دوران، نسخه های خطی داستان «لیلی و مجنون»، آراسته به انواع نگارگری ها و خوشنویسی ها شدند و از آن جا که زبان ادبی نظامی و مقلدانش، زبانی عقیقانه، عاشقانه و عارفانه بود، تصاویر داستان نیز، بر بستری از همین گونه مفاهیم بنا گردید.

از مشهورترین این نگارگران، می توان از مظفر علی تربتی (۹۴۰-۹۹۰ ه. ق)، میر جلال الدین اصفهانی مشهور به آقامیرک و میر سید علی بدخشانی نام برد. به کمک این گونه نگارگری ها، گویا داستان «لیلی و مجنون» به شکل مصور، در برابر دیدگان مخاطب ترسیم می گردد. در ادامه، به تعدادی از این نگارگری ها، جهت روشن تر شدن مطلب، استناد می شود.



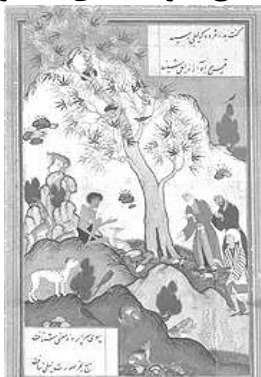
دفاع جانوران وحشی از مجنون



نگارگری دوره تیموری



ملاقات مجنون با لیلی



مجنون در کنار وحوش



پیرمراد در کنار لیلی و مجنون



ملاقات لیلی با مجنون



تشییع جنازه مجنون



لیلی و مجنون در مکتب خانه



ملاقات مجنون و لیلی در بیشه

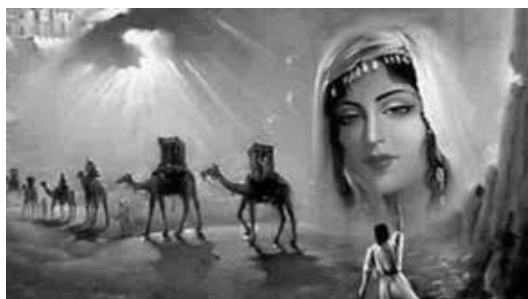
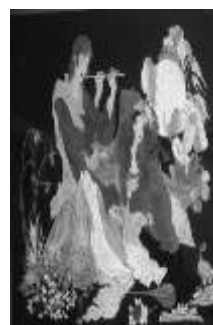
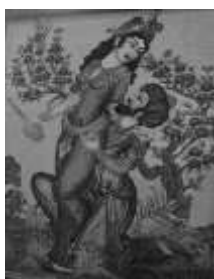
در دوران معاصر نیز، هنرمندان بسیاری، به شیوه‌های متفاوت؛ نظیر مینیاتور (خرد نگارگری)، قلم‌زنی، سیاه‌قلم، منبت‌کاری، معرق‌کاری، معرق‌چوب، حکاکی‌دستی روی شیشه و... در این زمینه به هنرنمایی پرداخته‌اند. مشهورترین این نگارگری‌ها، تابلویی است اثر استاد محمود فرشچیان (۱۳۰۸-)

۰۰۰ ش) که به سبک مینیاتور کشیده شده است و نیز تابلویی زیبا اثر هنرمند شایسته ایرانی، بانو کلارا
آبکار (۱۲۹۴-۱۳۷۵ ش) که آن را «به سازمان میراث فرهنگی اهدا کرده است و اکنون در موزه
سعدآباد قرار دارد.» (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۱۸)



تابلوی نقاشی «لیلی و مجنون»، اثر استاد محمود فرشچیان «لیلی و مجنون» اثر بانو کلارا آبکار

تعدادی از دیگر تابلوهای «لیلی و مجنون» در دوران معاصر:



۲-۲-۲. خوشنویسی (خطاطی)

هنر خوشنویسی در متن ادبیات است و استادان خوشنویس، اشعار برگزیده یا حتی دیوان‌های قطور شعری پرآوازه را، با خط خوش نگاشته‌اند.

کیخسرو خروش، استاد خط نستعلیق، از جمله استادانی است که دیوان لیلی و مجنون نظامی را با بیش از ۴۷۰۰ بیت، به خط نستعلیق نوشته است.



دیگر استادان این عرصه نیز از پرداختن به لیلی و مجنون غافل نبوده‌اند و ایاتی در این چهارچوب به خط خوش نگاشته‌اند:



۲-۲-۳. تئاتر

الف: نمایش

یک نمایش، تنها زمانی می‌تواند به یک شاهکار نمایشی تبدیل شود که در کنار یک اجرای توانمند، از یک نمایشنامه خوب برخوردار باشد. کم نیستند آثاری که با بهره‌مندی و استفاده خلاقانه از یک اثر ادبی، زمینه ماندگاری خود را فراهم کرده‌اند. از این جمله‌اند، نمایش‌ها یا تئاترهایی که از داستان «لیلی و مجنون» اقتباس شده‌اند که به دلیل تنگی مجال، به ذکر فهرست‌وار آن‌ها بسنده می‌کنیم:

میشا مانوگیان (۱۳۱۱)، معین الدیوان فکری (۱۳۲۱)، ملکه حکمت شعار (۱۳۲۳)، اسماعیل مهرتاش (۱۳۲۶)، رسانی (۱۳۳۷)، مرجان امیر ارجمند (۱۳۷۴)، شهرو خردمند (۱۳۷۹)، امیر دژاکام (۱۳۸۳)، صبا ملکی (۱۳۸۴)، معصومه ملکی (۱۳۸۴)، پری صابری (۱۳۸۵)، ساسان قجر (۱۳۸۵)، فرزانه کابلی (۱۳۸۶)، خداداد بیگی (۱۳۸۸)، علی اصغر مقنی میلانی (۱۳۹۱) (طاهری، ۱۳۹۱: سایت خانه تئاتر ایران)

ب: اپرا

«اپرا آمیزه‌ای است از هنرهای مختلف موسیقی، ادبیات، فن بازیگری، طراحی صحنه، دکور و کارگردانی؛ تا حقیقت به تصویر کشیده شود.» (فریمن، ۱۳۸۱: ۸۳)

او زیر حاجی بیگف، آهنگساز آذربایجانی، در سال ۱۹۰۸ م، بر اساس لیلی و مجنون فضولی، اپرایی به همین نام نوشت که در شهر باکو، به روی صحنه رفت. این اپرا، سرآغاز هنر اپرا در جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود که از زمان نخستین نمایش تاکنون، بیش از ۱۲۰ بار در تئاتر اپرا و باله دولتی آذربایجان و نیز در کشورهای دیگری همچون روسیه، اوکراین، ایران، ترکیه، گرجستان، ازبکستان و ترکمنستان اجرا شده است.

مهین زرین‌پنجه، آهنگساز نامور ایرانی نیز، در سال ۱۳۸۶ دو قطعه «نیایش لیلی» و «سماح مجنون» را در اپرای لیلی و مجنون با اجرای ارکستر سمفونی فیل هارمونیک لهستان به اجرا گذاشته است که شرکت ماهر این اثر را در ایران منتشر کرده است.

بهزاد عبدی، از آهنگسازان جوان نیز بنا به گزارش خبرگزاری هنر آرتنا، در حال نوشتن اپرای لیلی و مجنون بر اساس لیلی و مجنون نظامی در اوکراین است. (عبدی، ۱۳۹۱: سایت خبرگزاری هنر آرتنا)

۲-۲-۴. موسیقی

یکی از مهم‌ترین ارکان شعر-افزون بر عاطفه شعری و وزن عروضی-موسیقی آن است. در ایران باستان، به این نوع شعر آمیخته با موسیقی، خسروانی می‌گفته‌اند و ذکر آن به صورت جسته و گریخته،

در آثار قدما آمده است؛ از جمله، نگارنده تاریخ سیستان می گوید: «تا پارسیان بودند سخن پیش ایشان به رود باز گفتندی به طریق خسروانی و چون عجم برکنده شدند و عرب آمدند، شعر میان ایشان به تازی بود.» (تاریخ سیستان، ۲۱۰:۱۳۸۱) و خسروانی «لحنی باشد از مصنفات باربد مطرب...، مشتمل بر مدح و آفرین خسروپرویز.» (خواجه نصیرالدین طوسی، ۱۲۸۱: ۵) پس پیش از اسلام، «در دوره ساسانیان... اشعاری بوده که برای پادشاهان و موبدان و خدا و آتشکده می سروده‌اند [که به آن سرود خسروانی می گفته‌اند.» (بهار، ۱۳۳۴: ۱۳)

مهدی اخوان ثالث، در توصیف ویژگی‌های شعر خسروانی این گونه می گوید: «خسروانی نوعی شعر «قول» گونه بوده است با وزن نامنتظم غیر عروضی، همراه با موسیقی و نیز لحنی از الحان موسیقی ایران بوده با وزن ایقاعی سبک و هموار و از بهر مجلس ملوک که تا زمان ثعالبی و نویسنده قابوس‌نامه هم رایج بوده است.» (اخوان ثالث، ۱۳۳۹: ۴۹۹)

در بعد از اسلام نیز، این آمیختگی شعر و موسیقی، کم و بیش ادامه داشته است. از شاعرانی که بر این روش بوده‌اند، می توان از رودکی سمرقندی، پدر شعر پارسی نام برد که خنیاگر بوده و چنگ می نواخته است.

الف: موسیقی سنتی (موسیقی دستگاهی)

موسیقی سنتی ایران، ریشه‌ای بسیار عمیق و ژرف در تاریخ، فرهنگ و ادبیات ایران زمین دارد. موسیقی ایرانی، دارای هفت دستگاه (شور، نوا، ماهور، همایون، سه گاه، چهارگاه و راست پنج گاه) و پنج آواز (ابوعطا، دشتی، افشاری، بیات ترک و بیات اصفهان) است.

همان گونه که پیش تر بیان شد، ایرانیان در دهه‌های نخست سده چهارم، هجری با داستان لیلی و مجنون آشنا شدند. در همین سده، منوچهری دامغانی (۴۳۲-۳۹۸ هـ. ق)، از شاعران آگاه از ادبیات عرب و آشنا با موسیقی اصیل ایرانی، در بیتی، از «پرده لیلی» نام می برد که به اذعان علامه دهخدا در لغتنامه، نوایی از موسیقی است:

یکی نی بر سر کسری	دوم نی بر سر شیشم
سه دیگر پرده سرکش	چهارم پرده لیلی

(دبیرسیاقی، ۱۳۷۰: ۱۰۸)

و «در موسیقی جدیدتر ایرانی، گوشه سی و سوم از دستگاه راست پنج گاه و گوشه بیستم از دستگاه

همایون، «لیلی و مجنون» خوانده می شود.» (ملاح، ۱۳۶۳: ۲۵۱ و ۲۵۲)

دستگاه راست پنج‌گاه، دشوارترین دستگاه موسیقی سنتی ایران به شمار می‌رود که در بین دستگاه‌ها، از همه کمتر اجرا می‌شود و دستگاه همایون، یکی از بزرگ‌ترین دستگاه‌ها هست که محبوبیت خاصی بین مردم ایران دارد.

گوشه «لیلی و مجنون»، بارها و بارها توسط اساتید نام‌آور موسیقی سنتی ایران، قطعه‌سازی و نواخته شده است. از این بزرگان می‌توان به سید احمدخان ساوه‌ای (۱۲۳۱-۱۳۱۰)، فخام الدوله بهزادی (۱۲۶۴-۱۳۱۸)، موسی معروفی (۱۲۶۸-۱۳۴۴)، میرزا ابراهیم بوذری (۱۲۷۵-۱۳۶۵)، علی‌اکبر خان شهنازی (۱۲۷۶-۱۳۶۳)، سعید هرمزی (۱۲۷۶-۱۳۵۵)، مرتضی نی‌داوود (۱۲۷۹-۱۳۶۹)، ادیب خوانساری (۱۲۸۰-۱۳۶۱)، ابوالحسن صبا (۱۲۸۱-۱۳۳۶)، علی‌اصغر بهاری (۱۲۸۴-۱۳۷۴)، روح‌ا... خالقی (۱۲۸۵-۱۳۴۴)، نورعلی برومند (۱۲۸۵-۱۳۵۵)، جواد معروفی (۱۲۹۱-۱۳۷۲)، همایون خرم (۱۳۰۹-۱۳۹۱)، محمود کریمی (۱۳۰۶-۱۳۶۳)، هوشنگ ظریف (۱۳۱۷-۰۰۰)، محمد منتشری (۱۳۲۰-۰۰۰)، داریوش تقفی (۱۳۲۱-۰۰۰)، محمد موسوی (۱۳۲۵-۰۰۰)، محسن کرامتی (۱۳۲۶-۰۰۰)، علی رستمیان (۱۳۲۸-۰۰۰)، بهزاد فروهری (۱۳۲۹-۰۰۰)، حسین علیزاده (۱۳۳۰-۰۰۰) و... اشاره کرد.

شهرام ناظری، از خوانندگان و استادان آواز موسیقی سنتی ایران نیز، آلبومی با عنوان لیلی و مجنون دارد که در سال ۱۳۸۱ منتشر شده است. (هندیانی، ۲۰۱۴: وب‌سایت رسمی استاد شهرام ناظری)

پس از وی سید حسام‌الدین سراج، به مناسبت بزرگداشت حکیم نظامی گنجه‌ای، کتابی گویا (صوتی)، به نام آفاق عشق نظامی مشتمل بر دو آلبوم «لیلی و مجنون» و «خسرو و شیرین»، اجرا می‌کند. این اثر در سال ۱۳۷۲ توسط مؤسسه فرهنگی سروش منتشر شده است.

در سال ۱۳۹۱ خورشیدی، سینا سرلک، روایت عشق لیلی و مجنون را، در آلبوم ظهیر، خوانده است که توسط مؤسسه فرهنگی هنری - چهارباغ به بازار موسیقی عرضه شده است.

ب: موسیقی محلی و بومی نواحی مختلف ایران

داستان «لیلی و مجنون»، بارها و بارها در موسیقی محلی ایران بازآفرینی شده است. از میان هنرمندان معاصر که در این زمینه هنرآفرینی کرده‌اند، می‌توان از پیمان بزرگ‌نیا، منصوره ثابت‌زاده، سامان ضرابی، کوروش اسدپور و رحیم عدنانی (موسیقی ایل بختیاری)، غلامعلی پورعطایی (موسیقی شرق خراسان)، نصرالله، افسانه و نازلی جهانگیری گرگین‌پور (موسیقی محلی ایل قشقایی)، ملیحه سعیدی (موسیقی محلی کردی)، جاوید افسری‌راد (موسیقی بلوچی)، حبیب‌الله قادر آتشگر (موسیقی

سیستانی)، عاشیق حسین اسدی و کیوان پهلوان و رحمان و وحید اسداللهی (موسیقی محلی آذربایجان)، آرمین فریدی (موسیقی گیلکی)، کاظم مهرپور، محمدعلی شهامی و حسن گرجی (موسیقی شوشتری) نام برد.

ج: موسیقی پاپ

در این عرصه، موسیقی پاپ نیز بی‌بهره نبوده است و اهل موسیقی، چه در ایران و چه در خارج از کشور، بسیار بدان پرداخته‌اند. از هنرمندان داخل کشور، می‌توان از حسین زمان، مجید یحیایی، سیاوش رحمانی، سعید محمدی، مسعود محمد نبی، مازیار فلاّحی، شهرام شکوهی، سینا حجازی، احسان گنجی، سیاوش کاظمی، شایان فاطمی، محسن چاووشی، پیام شمس، ابوالفضل اسماعیلی، قدرت‌الله نورسته و فرهاد جواهر کلام نام برد.

د: موسیقی بین‌المللی

قارا ابوالفضل اوغلو قاریف، آهنگساز آذربایجانی در سال ۱۹۴۷ یک پوئم سمفونیک به همین نام بر اساس اشعار نظامی گنجوی ساخته است. پوئم سمفونیک نوعی موسیقی با برنامه است که در آن به تجسم موضوع مورد روایت پرداخته می‌شود.

اریک پاتریک کلاپتون خواننده، آهنگساز، گیتاریست و ترانه‌سرای سرشناس بریتانیایی هم با الهام از شعر نظامی، تک آهنگ بسیار زیبای لیلارا در سال ۱۹۷۰ اجرا کرده است.

۲-۲-۵. سینما

ادبیات داستانی، از مهم‌ترین مواد موردنیاز سینما به شمار می‌رود. تعامل اصولی و روشمند این دو باهم، نقش چشمگیری در تکامل سینما داشته و به آفرینش نسخه‌های سینمایی درخشانی در این عرصه منجر شده است؛ زیرا از ابتدای پیدایش هنر سینما، بسیاری از پر فروش‌ترین و پرمشاهرت‌ترین فیلم‌های سینمایی دنیا، فیلم‌هایی بوده‌اند که ریشه در ادبیات داشته‌اند.

در خصوص توجه ویژه ایرانیان به داستان لیلی و مجنون، همین بس که نخستین نسخه سینمایی ایرانی از داستان «لیلی و مجنون»، فیلمی است به همین نام، به کارگردانی عبدالحسین شیرازی معروف به سپنتا که در سال‌های ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴؛ یعنی تنها به فاصله زمانی یکی دو سال پس از نخستین فیلم ناطق ایرانی به نام «دختر لر»، به کارگردانی خود او ساخته شد.

پس از سپنتا، فیلم‌های دیگری با همین نام، در ایران تولید می‌شود:

- فیلم «لیلی و مجنون»، (۱۳۳۵ ش)، به کارگردانی علی محمد نوربخش.

- فیلم «لیلی و مجنون»، (۱۳۴۹ ش)، به کارگردانی سیامک یاسمی.
- فیلم «لیلی و مجنون»، (۱۳۸۶ ش)، به کارگردانی قاسم جعفری.
سینمای دیگر کشورها نیز به این داستان پرداخته است که فهرست‌وار، بر اساس سال تولید، به آن‌ها می‌پردازیم:

- فیلم صامت «لیلی و مجنون»، هند، (۱۳۰۰ ش)، به کارگردانی (جی.جی. مادان)
 - فیلم صامت «لیلی و مجنون»، هند، (۱۳۰۵ ش)، به کارگردانی (مانیلا جوشی)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، هند، (۱۳۰۹ ش)، به کارگردانی (ک. راتود)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، هند، (۱۳۰۹ ش)، به کارگردانی (جی.جی. مادان)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، مالزی، (۱۳۱۱ ش)، به کارگردانی (ب.س. راج هانس)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، ساخته‌شده به زبان هندی - تلگو (۱۳۲۷ ش).
 - فیلم «لیلی و مجنون»، تاجیکستان، (۱۳۳۸ ش)، همراه با رقص ورزشی و هنری (باله)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، آذربایجان، (۱۳۳۹ ش)، به کارگردانی لطیف صفراف.
 - فیلم «لیلی و مجنون»، مالزی، (۱۳۴۰ ش)، به کارگردانی (داتو لوک وان تو)
 - فیلم «لیلی و مجنون»، ساخته‌شده به زبان هندی - مالایایی، (۱۳۴۰ ش).
 - فیلم «لیلی و مجنون»، هند، (۱۳۵۷ ش)، به کارگردانی (هارنام سینگ راولیل)
- (ویکی بات، ۲۱۱۴: دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا)

۲-۶. فرش بافی (تابلو فرش)

فرش بافی یکی از هنرهای است که از دیرباز مورد توجه ایرانیان بوده؛ اما «بافت قالی با طرح‌های تصویری (فرش تصویری)، از قرن سیزدهم هجری قمری در ایران متداول شده است. فرش تصویری، فرش است که نقوش آن غالباً از مینیاتورهای قدیمی یا تصاویر و تمثال‌های تخیلی از شخصیت‌های مذهبی و مشاهیر علم، هنر و ادب الهام گرفته است.» (رسام عرب‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۰)

بدین گونه، تابلو فرش‌هایی با طرح «لیلی و مجنون»، بارها و بارها توسط هنرمندان فرش‌باف ایرانی در شهرهایی مانند کاشان، نائین و تبریز و... در طرح‌ها، رنگ‌ها و ابعاد متنوع چهره بافی شده است. این گونه از فرش‌ها، در حال حاضر، به‌عنوان اثری هنری، زینت‌بخش دیوارهای منازل و موزه‌ها هستند. تصاویر برخی از این تابلو فرش‌ها در زیر می‌آید:



نتیجه

۱. داستان «لیلی و مجنون»، هرچند که ریشه در تاریخ کهن قوم عرب، در سده نخست هجری دارد و در کتاب‌های تاریخ ادبیات عرب، روایت‌های گوناگونی از این داستان نقل شده است؛ اما تنها در یک اثر ادبی، با عنوان نمایشنامه لیلی و مجنون اثر احمد شوقی، آن‌هم در دوران معاصر، بازتاب می‌یابد.
۲. این داستان، در آغاز سده چهارم هجری، با ورود به ایران، چهره‌ای دگرگونه می‌یابد و در سروده‌های شاعران نامی بازتاب می‌یابد. در سده ششم، حکیم نظامی گنجوی، منظومه لیلی و مجنون را می‌سراید که ۶۶ منظومه شعری با همین عنوان به پیروی از آن سروده می‌شود که این، خود نشانگر توجه بی‌حد و اندازه ایرانیان به این داستان است. البته، پس از پهنه ادبیات، در بسیاری از هنرهای زیبای ایرانی از قبیل نگارگری، خوشنویسی، تئاتر (نمایش)، سینما، موسیقی، فرش بافی و... نیز رسوخی چشمگیر می‌کند تا به آن‌جا که بسیاری از مردم عامه - به غلط - آن را داستانی باریشه‌های ایرانی می‌پندارند.
۳. پس از ادبیات فارسی، ادبیات ترکی نقش بسزایی در پرورش این داستان ایفا می‌کند. با احتساب منظومه‌های لیلی و مجنون ترکی اوغوری در سین زبان چین، بیش از ۳۰ منظومه به تقلید از لیلی و مجنون نظامی به زبان ترکی سروده شده است که تئاتر (نمایش و اپرا)، موسیقی و سینمای آذربایجان را هم باید به آن اضافه کنیم.

۴. در هندوستان، این داستان، بیشتر از ادبیات، در صنعت فیلم سازی سینمای هندوستان بازتاب داشته است که از همین رهگذر، کشورهایی چون ایران، تاجیکستان، آذربایجان و مالزی، درصدد ساختن فیلم هایی با عنوان «لیلی و مجنون» برآمدند.

۵. داستان «لیلی و مجنون»، با ورود به فرهنگ و ادب دیگر کشورها، آراسته به همان آداب و رسوم گردیده و هم رنگ مردمان همان محیط گشته است؛ گویا «لیلی» و «مجنون»، مردمانی از همان سرزمین هستند.

کتابنامه

الف: کتاب ها

۱. بهار، ملک الشعراء (۱۳۳۴)؛ تاریخ تطور شعر فارسی، تحشیۀ تقی بینش، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

۲. ----- (۱۳۸۱)؛ تصحیح تاریخ سیستان، تهران: نشر معین.

۳. بهمنیار، احمد (۱۳۴۴)؛ شرح احوال و آثار صاحب بن عباد، به کوشش محمد ابراهیم باستانی پاریزی، تهران: دانشگاه تهران.

۴. ثروت، منصور (۱۳۷۲)؛ مجموعه مقالات کنگره بین المللی نظامی گنجوی، تبریز: دانشگاه تبریز.

۵. دبیرسیاقی، محمد (۱۳۶۳)؛ تصحیح دیوان منوچهری، چاپ پنجم، تهران: زوآر.

۶. دستگردی، وحید (۱۳۸۱)؛ تصحیح و تحشیۀ منظومۀ لیلی و مجنون نظامی، چاپ دوم، تهران: بهزاد.

۷. رادفر، ابوالقاسم (۱۳۷۱)؛ کتاب شناسی نظامی، تهران: مؤسسۀ مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۸. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۰)؛ معیار الأشعار، تهران: میراث مکتوب.

۹. عبود، عبده (۱۹۹۹)؛ مشکلات و آفاق الأدب المقارن، دمشق: منشورات اتحاد الکتاب العرب.

۱۰. العشماوی، محمد زکی (۱۹۸۳)؛ دراسات فی النقد المسرحی والأدب المقارن، بیروت: دار الشروق.

۱۱. فرخ زاد، پوران (۱۳۸۱)؛ کارنمای زنان کارای ایران (از دیروز تا امروز)، تهران: قطره.

۱۲. فریمن، جوآن (۱۳۸۱)؛ ۶۸ داستان اپرا، ترجمۀ تبسم آتشین جان، چاپ اول، تهران: روزنه.

۱۳. ملاح، حسینعلی (۱۳۶۳)؛ منوچهری دامغانی و موسیقی، تهران: هنر و فرهنگ.

۱۴. ندا، طه (۱۹۹۱)؛ الأدب المقارن، بیروت: دار التّهضة العربية.

۱۵. نفیسی، سعید (۱۳۶۳)؛ محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی، جلد ۳، تهران: امیرکبیر.

۱۶. ولک، رنه و آوستن وارن (۱۳۷۳)؛ نظریۀ ادبیات، ترجمۀ ضیاء موحد و پرویز مهاجر، تهران: علمی و فرهنگی.

ب: مجله ها

۱۷. اخوان ثالث، مهدی (۱۳۳۹)؛ «خسروانی و لاسکوی»، مجله یغما، شماره ۱۵۰، صص ۴۹۹-۵۰۴.

۱۸. بانوزین، لئو (۱۳۷۲)؛ «لیلی و مجنون در سین زیان چین»، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی بزرگداشت نهمین سده تولد حکیم نظامی گنجوی، ج ۱، تبریز، دانشگاه تبریز، صص ۲۳۸-۲۴۲.
۱۹. برزین، پروین (۱۳۴۵)؛ «نگاهی به تاریخچه تذهیب قرآن»، مجله هنر و مردم، شماره ۴۹، صص ۳۶-۴۰.
۲۰. خضر حیدر، جویان (۱۴۰۵)؛ «لیلی و المجنون فی الأدب التركي»، نشریه آداب المستنصریه، شماره ۱۰، صص ۳۰۳-۳۱۶.
۲۱. رسام عرب‌زاده، ژیلا (۱۳۸۹)؛ «چهره‌ها و منظره‌ها در تابلوفرش‌های نوین»، مجله آموزش هنر، شماره ۲۳، صص ۴۰-۴۳.
۲۲. مؤید، حشمت (۱۳۷۱)؛ «در مدار نظامی (نقدی بر لیلی و مجنون نظامی)»، فصلنامه ایران‌شناسی (پژوهش در تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران و زبان و ادبیات فارسی)، تهران (بنیاد مطالعات ایران)، شماره ۱۵، صص ۵۲۸-۵۴۲.

ج: منابع مجازی

۲۳. ویکی‌بات (۹ دسامبر ۲۰۱۴ ساعت ۰۶:۰۵)؛ «لیلی و مجنون» دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا، http://en.wikipedia.org/wiki/Layla_and_Majnun
۲۴. عبدی، بهزاد (۱۲ شهریور ۱۳۹۱ ساعت ۱۸:۲۳)؛ «اپرای لیلی و مجنون»، سایت خبرگزاری هنر آرتنا، <http://artna.org/fa/news>
۲۵. هندیانی، امین (۱۲/۱۵/۲۰۱۴ ساعت ۰۵:۰۰)؛ «آلبوم لیلی و مجنون»، وب‌سایت رسمی استاد شهرام ناظری، <http://www.nazerismusic.com/album.aspx>
۲۶. طاهری، حسین (۱۳۹۱/۱۱/۲۱ ساعت ۲۱:۵۶)؛ «تئاتر لیلی و مجنون»، سایت خانه تئاتر ایران، <http://www.theater.ir/fa/search.php?id=184983>

قصّة مجنون ليلي في رحاب الأدب المقارن (الأدب والفنون الجميلة: نموذجاً)^١

حميدرضا بيرمراديان^٢

الدكتوراه في فرع اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد تشمران أهواز، ايران

محمود آبدانان مهديزاده^٣

أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد تشمران أهواز، ايران

غلامرضا كريمي فرد^٤

أستاذ مشارك في قسم اللغة العربية وآدابها، جامعة شهيد تشمران أهواز، ايران

نصرالله إمامي^٥

أستاذ في قسم اللغة الفارسية وآدابها، جامعة شهيد تشمران أهواز، ايران

الملخص

إنّ قصّة مجنون ليلي تعتبر أشهر القصص الغنائية في الأدب العربي على مدى عصوره السالفة حتّى الآن. فقد بذل الكاتب قصارى جهده حتّى يدرس هذه القصّة في إطار الأدب المقارن بمختلف مدارسه ولاسيما المدرسة الفرنسية والمدرسة الأمريكية بالإضافة إلى رحاب الأدب بشكل عامّ. فعلى مباني المدرسة الفرنسية تدرس هذه القصّة في نطاق الأدب ولاسيما الأدبين العربي والفارسي وعلى مباني المدرسة الأمريكية فقد تدرس في نطاق الفنون الجميلة نحو فن الرسم وفن الخط وفن التمثيل والأوبرا والموسيقى والسينما وحياسة السجادات بالإضافة إلى الإدب.

خلّص هذه المقالة إلى هذه النتائج:

- إنّ قصّة مجنون ليلي على الرّغم من جذورها العربية في القرن الأوّل للهجرة وأيضاً على الرغم من ظهورها في الكتب العربية التاريخية منها والأدبية، ظهرت في العصر الراهن في مسرحية غنائية لأمير الشعراء العربية أحمد شوقي المصري باسم «مجنون ليلي» فحسب ولاغير .
- دخلت هذه القصّة الغرامية في بداية القرن الرابع للهجرة، في إيران فشاعت في الأدب الفارسي في فترة وجيزة، خاصةً في أشعار فحول شعراء الفرس وبالطبع أثارت ردود فعل واسعة، على الخصوص في صدر القرن السادس حيث نظمها النظامي الكنجوي وحذا حذوه كثير من أدباء الفرس والأتراك. فقد كُتبت أكثر من ثلاثين قصّة غرامية محاكاةً لـ «ليلي والمجنون» للنظامي إضافةً إلى فن الدراما والأوبرا والموسيقى والمسرح في آذربيجان وغيرها من البلدان الناطقة باللغة التركية؛ وفي بلاد الهند، أيضاً نرى دويّاً عظيماً لهذه القصّة خاصةً في صناعة السينما (بوليوود) أكثر من الأدب فالمرحون الهنود صنعوا أفلاماً كثيرة ودخلت هذه الأفلام السينما الإيرانية والطاجيكية والأذربيجانية والماليزية. إذا أمعنا النظر نرى صدى هذه القصّة في إطار الفنون الجميلة كفن الخط والرسم والموسيقى والأوبرا والسينما وغير ذلك من الفنون في إيران وغيرها من البلدان الأخرى فتلوّنت القصّة بلون تلك البلدان حتّى نزعج أن المجنون وليلي هما من أهل تلك الأرض ثقافةً وأدباً.

الكلمات الدلّيلية: ليلي، مجنون، الأب التوائى، الأدب المقارن، الفنون الجميلة.

١. تاريخ القبول: ١٣٩٣ / ٢ / ٢٠

١. تاريخ الوصول: ١٣٩٢ / ١٢ / ١٣

٢. العنوان الإلكتروني للكاتب المسئول: hr_pirmoradian@yahoo.com

٣. العنوان الإلكتروني: abdanan_mh@yahoo.com

٤. العنوان الإلكتروني: ghkarimifard@yahoo.com

٥. العنوان الإلكتروني: nasemami@yahoo.com